



مریض از تفقد آنان خوشحال می‌شود. از نظر اسلام عیادت از بیمار جزء حقوقی است که برادران و خواهران دینی موظف‌اند نسبت به همدیگر مراعات کنند.

در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که حضرت فرمودند: «مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا لَقِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَإِذَا مَرَضَ أَنْ يُعَوِّدَهُ وَإِذَا مَاتَ أَنْ يُشَيِّعَ جَنَائِزَهُ»^۱ از حقوق هر مسلمان بر مسلمان دیگر این است که هرگاه با او

اسلام دینی است اجتماعی که افراد بشر را به اجتماعی زیستن فرا می‌خواند. این امر در برنامه‌ها و معارف آن به خوبی آشکار است. یکی از دستورات مهم اسلام درباره کیفیت و چگونگی عیادت از مریض یا افرادی است که به هر نحو سلامتی خود را از دست داده‌اند؛ چه افرادی که کسالتی جزئی دارند و چه کسانی که دچار معلولیت و مجروحیت و جانبازی هستند.

آنکه بیمار می‌شود چشم به راه است تا دوستان و بستگان از او دیدار کرده، احوال او را جویا شوند؛ چرا که

۱. مکارم الاخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی قم، چهارم، ص ۳۵۹

بپذیری، از بیمارش عیادت کنی و در تشییع جنازه اش شرکت کنی و اگر می دانی که حاجتی دارد، برای برآوردن آن تلاش کنی...»

ثواب عیادت بیمار

اسلام پس از آنکه عیادت از مریض را از حقوق واجب مسلمانان نسبت به یکدیگر شمرده و آن را وظیفه الهی - انسانی دانسته، جهت ایجاد انگیزه و تشویق مؤمنین به این کار، با بیان پادشاهای اخروی، عیادت کنندگان را به این فریضه مهم فرا می خواند. امام صادق علیه السلام درباره ثواب عیادت از مریض می فرماید: «*أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ أَخَاهُ فِي مَرَضِهِ فَإِنَّ كَأَن حَبْنِ يَصْبِحُ شَيْعَةً سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَإِذَا قَعَدَ عِنْدَهُ عَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ وَاسْتَفْقَرُوا لَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ وَإِنْ كَانَ مَسَاءً كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ*»^۱ هر مؤمنی که برادر مؤمنش را در بیماری اش عیادت کند، اگر صبح باشد هفتاد هزار ملک او را تشییع (بدرقه و همراهی) کنند و چون نزد او بنشیند

دیدار کند، بر او سلام کند و هرگاه مریض شود از او عیادت نماید و هرگاه از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش شرکت کند.»

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «معلی بن خنیس» می گوید: از حضرت سؤال کردم که حق مسلمان بر گردن مسلمان چیست؟ فرمود: هر مسلمان بر گردن برادر مسلمان خود هفت حق واجب دارد که همه آنها بر او واجب است و اگر چیزی از آن حقوق را تضييع نماید، از ولایت و بندگی خدا خارج می شود و خداوند از بندگی او بهره ای ندارد (بندگی خدا را نکرده است). گفتم: فدایت شوم! آن هفت حق کدامند؟ فرمود: ای معلی! من نگران توام؛ می ترسم که اگر بگویم، آنها را مراعات نکنی و آنها را تباه سازی و نگه نداری و آنها را بدانی و به آنها عمل نکنی. گفتم: لاقوة الا بالله. فرمود: «...*وَالْحَقُّ السَّابِقُ أَنْ تُبْرِقَ سَمَةً وَتُجِيبَ دَعْوَتَهُ وَتَعُوذَ مَرِيضَهُ وَتَشْهَدَ جَنَازَتَهُ وَإِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تُبَادِرُهُ إِلَيْهِ قَضَائِهَا*...»^۱ و حق هفتم آن است که سوگندش را قبول کنی و دعوتش را

۱. کافی، ثقة الاسلام کلینی، دارالکتب

الاسلامیه، تهران، چهارم، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۲.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۱.

است. توصیه علی علیه السلام در این خصوص این است که «عُدْ مَنْ لَا يُعُودُكَ وَاهْدِ إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ؛^۱ به عیادت کسی برو که از تو عیادت نمی‌کند و برای کسی هدیه ببر که برای تو هدیه نمی‌آورد.»

یکی از غلامان امام صادق علیه السلام می‌گوید: یکی از آشنایان بیمار شد، جمعی از دوستان به ملاقات او می‌رفتیم که در راه به امام صادق علیه السلام برخوردیم. حضرت فرمودند: کجا می‌روید؟ گفتیم: برای عیادت فلانی می‌رویم. فرمودند: بایستید. ما نیز ایستادیم. پرسیدند: «مَعَ أَحَدِكُمْ تَفَاحَةٌ أَوْ سَفَرٌ جَلَّةٌ أَوْ أُتْرَجَةٌ أَوْ لُغَقَةٌ مِنْ طِيبٍ أَوْ قِطْعَةٌ مِنْ عُودٍ بَخُورٍ؟ فَقُلْنَا: مَا مَعَنَا شَيْءٌ مِنْ هَذَا، فَقَالَ: أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلَى كُلِّ مَا أَذْخَلَ بِهِ عَلَيْهِ؛ آیا [برای مریض هدیه‌ای از قبیل] سیب، به، گلابی، عطر یا قطعه‌ای از عود با خود می‌برید؟ عرض کردیم: چیزی از اینها همراه

رحمت [خدا] او را فرا گیرد و تا شب برای او استغفار کنند، و اگر شب باشد همین اجر تا صبح برای او خواهد بود.»

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمودند: «إِذَا عَادَ الرَّجُلُ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ مَشَى فِي خِرَافَةِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَجْلِسَ فَإِذَا جَلَسَ عَمَّرَتْهُ الرَّحْمَةُ فَإِنْ كَانَ عُدْوَةً صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُمْضِيَ؛^۲ هنگامی که انسان به عیادت برادر مسلمان خود می‌رود، در میان میوه‌های چیده نشده بهشتی راه می‌رود تا آن‌گاه که [نزد بیمار] بنشیند، و هنگامی که نشست، رحمت [خدا] او را فرا می‌گیرد. اگر صبح باشد تا صبح دیگر هفتاد هزار فرشته بر او درود می‌فرستند.»

آداب عیادت

۱. هدیه بردن

یکی از توصیه‌های ائمه معصومین علیهم السلام جهت عیادت، همراه داشتن هدیه است؛ اما نباید برای بردن و دادن هدیه، عوض و جایگزینی باز کرد؛ چرا که دنبال عوض و معوض بودن و گلایه از آن، نشانه کم ظرفیتی

۱. کنز العمال، المتقی الهندی، مؤسسه الرسالة،

بیروت - لبنان، ج ۹، ص ۹۹، ح ۲۵۱۶۴.

۲. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۵.

داشته باشد و از او بخواهد. «همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «أَعْظَمُكُمْ أَجْرًا فِي الْعِيَادَةِ أَحْفَقُكُمْ جُلُوسًا»^۴ از عیادت کنندگان آن کسی از شما پاداش بیشتری دارد که کمتر بنشیند.»

۳. دلداری دادن بیمار

از برترین شیوه‌های درمانی خصوصاً در مورد امراض روانی این است که به بیمار دلداری و قوت قلب داده شود. استفاده از روش تلقین در بهبود بیماریها دارای جایگاه ویژه‌ای است. ضروری است عیادت کنندگان به این مطلب توجه کرده، توصیه رسول گرامی را مراعات نمایند که فرمود: «إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَتَنَسَّوْا لَهُ فِي الْأَجْلِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يُرَدُّ شَيْئًا وَهُوَ يُطِيبُ النَّفْسَ»^۵ هرگاه بر بیمار وارد شدید،

نداریم. حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانید مریض با چیزی که برایش برده می‌شود، آرامش خاطر پیدا می‌کند؟^۱»

۲. کوتاهی زمان عیادت

دستور قرآن حکیم و عترت طاهرین علیهم السلام به ما این است که وقتی به عیادت بیمار رفتید، زیاد ننشینید و زود برخیزید؛ چرا که اولاً او خسته است و رنج می‌برد، ثانیاً به خاطر مراعات حال عیادت کننده‌ها، علی رغم میل باطنی، خود را به زحمت می‌اندازد. به این خاطر، بهترین عیادت کوتاه‌ترین آن است.^۲ در روایات برای کسی که در عیادت از مریض به کم‌ترین زمان بسنده کند، وعده اجر و پاداش داده شده؛ چنان که از علی علیه السلام رسیده که فرمودند:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْعَوَادِ أَجْرًا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمَنْ إِذَا عَادَ أَخَاهُ حَفَّفَ الْجُلُوسَ الْأَنْ يَكُونَ الْمَرِيضُ مُحِبِّبٌ ذَلِكَ وَيُرِيدُهُ»^۳ از عیادت کنندگان، کسی بیشترین پاداش را از خداوند می‌برد که هرگاه به عیادت برادر خود می‌رود، نشستن را کوتاه کند، مگر آنکه خود بیمار دوست

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳.

۲. کنز العمال، المتقى الهندى، ج ۹، ص ۹۴، ح ۲۵۱۳۹. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَحْفَقُكُمْ أَجْرًا فِي الْعِيَادَةِ أَحْفَقُكُمْ جُلُوسًا» و همان، ج ۹، ص ۹۷، حدیث ۲۵۱۴۹، قال صلى الله عليه وآله: «أَعْظَمُ الْعِيَادَةِ أَجْرًا أَحْفَقُكُمْ» پراجرترین عیادت، کوتاه‌ترین آن است.»

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۶.

۴. مکارم الاخلاق، ص ۳۶۱.

۵. کنز الفوائد، شیخ ابوالفتح کراچکی،

برای مریض دعا کنید و از خداوند سلامتی و عافیت او را درخواست نمایید. همچنین از او بخواهید برای شما دعا کند که دعای مریض مستجاب است.^۲ رسول اکرم ﷺ فرمودند: «عُودُوا الْمَرْضَى... وَتَدْعُوا لِلْمَرِيضِ فَتَقُولُوا اللَّهُمَّ الشِّفَةَ بِشِفَائِكَ وَدَاوَهُ بِدَوَائِكَ وَعَافِيَهُ مِنْ بَلَائِكَ»^۳ بیماران را عیادت کنید... و برای مریض دعا کنید و بگویید: خدا یا! او را به شفای خودت شفا عطا کن و با دوائی خودت مداوا کن و از بلای خود سلامت بخش.»

سیره خود حضرت بر این بوده که هنگام عیادت مریض، برای بیمار طلب عافیت می کرد. نقل شده وقتی به عیادت سلمان فارسی آمدند و

اندوه او را نسبت به زمان مرگ بر طرف سازید [و او را به آینده امیدوار کنید]. این کار گرچه چیزی را بر نمی گرداند [و مقدرات را تغییر نمی دهد]، اما موجب آرامش روح می گردد.»

۴. پرسش از حال بیمار

یکی دیگر از آداب عیادت بیمار پرسش از حال و احوال مریض است و اینکه عیادت کننده دقایقی را از وضع جسمانی و مریضی او پرسش کند. رسول گرامی اسلام ﷺ همه عیادت را در این می دانند که دیدار کننده از حال و وضع بیمار پرسش کند و جویای احوال او باشد: «تَمَامُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَيْهِ وَيَسْأَلَهُ كَيْفَ هُوَ، كَيْفَ أَصْبَحْتَ وَكَيْفَ أَمْسَيْتَ وَتَمَامُ تَحِيَّتِكُمْ أَلْمُصَافِحَةُ»^۱ همه عیادت بیمار به این است که یکی از شما دست خودش را بر او بگذارد و از او بپرسد که حال او چگونه است؛ چگونه صبح کردی و چگونه روزت را گذراندی؟ و تحیت کامل شما دست دادن است.»

۵. دعا برای بیمار

از توصیه های معصومین علیهم السلام در خصوص آداب عیادت این است که

انتشارات دارالذخائر قم، اول، جلد ۱، ص ۳۷۹.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۳۵۹.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء

بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ قمری، ج ۹۰، ص ۳۶۰، باب

۲۲، ح ۲۱، قال النبی ﷺ: «ثَلَاثٌ دَعَوَاتٌ

مَسْتَجَابَةٌ... وَدَعَاءُ الْمَرِيضِ؛ سه دعا مستجاب

است... [که یکی] دعای مریض است.» و

کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۲۵۱۹۱، قال رسول

الله ﷺ: «دَعَاءُ الْمَرِيضِ لِدَعَاءِ الْمَلَائِكَةِ؛ دعای

مریض مانند دعای فرشتگان است.»

۳. همان، ج ۷۸، ص ۲۲۴، باب ۴، ح ۳۲.

خواستند از بالین سلمان برخیزند، فرمودند: «يَا سَلْمَانَ! كَتَفَ اللَّهُ صُرَكَ وَعَفَّرَ ذَنَبَكَ وَحَفَظَكَ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ إِلَى مُسْتَهْتَمِي أَجَلِكَ»^۱ ای سلمان! خداوند رنج تو را برطرف سازد و گناهت را ببخشد و دین و بدن تو را تا آخر عمرت حفظ کند.»

ع. توقع پذیری نداشتن

از آنجا که هدف از عیادت بیمار اظهار محبت و ادای حق مسلمانی و کسب اجر معنوی است، کسی که به دیدن بیمار می‌رود نباید انتظار پذیری داشته باشد؛ چرا که بیمار خود گرفتار بیماری است و خانواده او نیز گرفتار پرستاری از مریض هستند. پس ادب حکم می‌کند که هنگام عیادت از مریض تا جایی که ممکن است خانواده او را به زحمت نیندازیم.

امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل

می‌کند که علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُؤَكَّلَ عِنْدَ الْمَرِيضِ شَيْءٌ إِذَا عَادَةَ الْعَائِدِ قَيِّحِطُ اللَّهُ بِذَلِكَ أَجْرَ عِيَادَتِهِ»^۲ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اینکه چیزی نزد بیمار خورده شود - در زمانی که عیادت کننده از او عیادت می‌کند - نهی کرده است؛ زیرا این کار

سبب می‌شود که خداوند پاداش عیادتش را از بین ببرد.»

در باب عیادت مریض، سخن را با حکایتی آموزنده که شهید شیرینی است برگرفته از آیات و روایات، به پایان می‌بریم. منقول است از مرحوم حاجی سبزواری که برای عیادت بیماری می‌رفت و عده‌ای هم با او بودند. نزدیک منزل بیمار که رسید، برگشت و نرفت. اطرافیان پرسیدند: آقا چرا تا اینجا آمدید و حالا برمی‌گردید؟ آقا جواب داد که خطوری به قلبم کرد که بیمار وقتی مرا ببیند از من خوشش خواهد آمد و می‌گوید که سبزواری چه انسان والا و بزرگی است که به عیادت من بیمار آمده است. حالا برمی‌گردم تا هنگامی که «اخلاص» اولیه را بیابم و تنها برای «خدا» به عیادت بیمار بیایم.^۳

۱. مکارم الاخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی قم، چهارم، ص ۳۶۱.

۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، اول، ج ۲، ص ۱۵۴، باب ۳۹، ح ۲۸.

۳. داستانهای حکیمانه در آثار استاد حسن زاده آملی، هیئت تحریریه انتشارات نبوغ، ص ۳۹، به نقل از: در محضر استاد، ص ۲۳.